

آمریکای لاتین بر پا می خیزد

بانک کشورهای جنوب در مقابل بانک جهانی

نوشته Eric TOUSSAINT

نوشته Damien MILLET

آقای پل ولف ویتز، رئیس بانک جهانی که متهم به اعمال نفوذ و پارتی بازی به نفع نزدیکانش بود، مجبور به استعفا شد. کاخ سفید که پیش از این نیز او را تحمیل کرده بود، بر حق خود برای انتخاب جانشین وی تاکید ورزید. شش کشور آمریکای لاتین با زیرسوال بردن سلطه کشورهای شمال تصمیم به احداث بانک کشورهای جنوب گرفتند و با فاصله گرفتن هرچه بیشتر از بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و بانک توسعه برای کشورهای قاره امریکا بدنبال احاطه بر مسائل مالی خویش هستند.

باید تنبیه شود! چه گونه بانک جهانی با اینهمه قدرت می توانست بپذیرد که در سال ۲۰۰۵، وزیر اقتصاد جوان اکوادور، آقای رافائل کوره آ (Rafael Correa) به بهانه وجود بحران عمیق اقتصادی-سیاسی در کشور در استقاده از منابع ارزی نفتی تجدید نظر کرده و سهم پرداخت قروض کشور را در آن به نفع هزینه های اجتماعی کاهش دهد. بانک جهانی بلافاصله وام ۱۰۰ میلیون دلاری وعده داده شده به اکوادور را معلق نمود و با کمک یارانش بطور جدی خدمت جناب وزیر رسید. آقای کوروا بعد ها تعریف کرد: «اربابان نفت، ایلات متحده، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و بانک توسعه برای کشورهای قاره امریکا (BID) به رئیس جمهور آلفردو پالاسیو (Alfredo Palacio) فشار آوردند. و من پشتیبانی و اطمینان او را از دست دادم» (۱). اقتصاد دان جوان که زیر سوال رفته بود به ناچار استعفا داد.

در ۳ دسامبر ۲۰۰۶ وقتی آقای کوره آ به ریاست جمهوری کشور رسید هیچ گوشه ای از این واقعه و تحقیر ابراز شده نسبت به حاکمیت ملی کشورش را فراموش نکرده بود. وی در ۲۰ آوریل گذشته در حرکتی چشمگیر آقای ادواردو سومنتساتو (Eduardo Somensatto) را « فردی نا مقبول (persona non grata)» خواند. از سوی دیگر در مورد بدهی ۵/۱۰ میلیاردی کشور، او تصمیم گرفت که سهم پرداخت بدهی ها را در بودجه کشور از ۳۸ درصد در سال ۲۰۰۶ به ۸/۱۱ درصد در ۲۰۱۰ کاهش دهد. یک بدبختی (و شاید هم خوشبختی) هرگز تنها از راه نمی رسد، چند روز پس از این واقعه، ونزوئلا اعلام کرد که بانک جهانی را ترک خواهد کرد و بولیوی به همگان فهماند که دیگر نهاد بین المللی برای تصفیه اختلافات در مورد سرمایه گذاری ها (CIRDI) که یکی از ابزار های بانک جهانی است را به رسمیت نمی شناسد.

از سال های ۱۹۵۰ عملکرد بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در امریکای لاتین تحت تاثیر الویت های سیاست خارجی واشنگتن بوده است. نهادهای برتون وودز (Bretton Woods) نزدیک به سی سال از دیکتاتور نیکاراگوئه، آناستازیو سوموزا حمایت کردند و این امر تا سقوط وی در سال ۱۹۷۹ ادامه داشت (۲). در گواتمالا آنها دولت مترقی ژاکوبو آربنز (Jacobo Arbenz) را تحریم و با سرعت تمام از باند نظامیانی که او را سرنگون کردند حمایت نمودند. در همه امریکای لاتین آنها در کار حکومت های دمکراتیکی که دست به اصلاحاتی در جهت کم کردن نابرابری های اجتماعی می زدند خرابکاری می کردند: در برزیل از سال ۱۹۵۸ با رئیس جمهور جوسائینو کوبیتزچک (Juscelino Kubitschek) که شرائط صندوق بین المللی پول را نپذیرفته بود به مخالف برخاستند و جانشین وی آقای خوئوا گولارت (Joao Goulart) را که اصلاحات ارضی و ملی کردن صنعت نفت را در سال ۱۹۶۵ اعلام کرده بود، تحریم کردند. در عوض به محض به قدرت رسیدن نظامیان در آوریل ۱۹۶۴، در حمایت از آنها شتاب نمودند. و به همین ترتیب در سپتامبر ۱۹۷۳ در شیلی پس از سقوط و قتل سالوادور آلنده وارد عمل شدند. در ماه مارس ۱۹۷۶ اینبار در آرژانتین صندوق بین المللی پول از ژنرال ژرژ ویدلا (Jorge Videla) حمایت می کند و در ماه آوریل ۲۰۰۲ همراه با ایالات متحده و اسپانیای ژوزه ماریا آرنار، اولین

نهادی است که خدمات اش را به دولت موقتی که از کودتا بر علیه هوگو چاوز، رئیس جمهور ونزوئلا بوجود آمده بود پیشنهاد می کند.

در همه جا طبقات حاکم محلی در نهادهای برتون وودز یک پشتیبان برای مقاومتشان در برابر اصلاحات اجتماعی یافتند. باید اضافه کرد که شیلی پینوشه و آرژانتین ویدلا به لائبراتورهای واقعی سیاست های نئولیبرالی تبدیل شدند، همان سیاستهایی که بعدها در کشورهای صنعتی تر، ابتدا در انگلستان خانم تاچر از سال ۱۹۷۹ و سپس در ایالات متحده آقای ریگان از سال ۱۹۸۱ پیاده شدند.

بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به عمد آمریکای لاتین را به سوی مقروض شدن هدایت کردند: بین سالهای ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۲ دهی خارجی این منطقه از ۱۶ به ۱۷۸ میلیارد دلار رسید (۳). در سال ۱۹۸۲ پس از بروز بحران دهی ها، این دونهاد از اسلحه بدهکاری بیشتر استفاده کردند تا سیاست هائی را که بعدها در توافق های واشنگتن گنجانده شد، تحمیل کنند: تغییرات ساختاری، خصوصی سازی، گشایش اقتصادی، لغو کنترل بر مبادلات ارزی و جابجائی سرمایه ها، کاهش هزینه های اجتماعی، افزایش نرخ بهره محلی و غیره. بدین ترتیب سرمایه هائی که در این منطقه به شکل قرض سرازیر شده بود تحت عنوان بازپرداخت دهی و یا فرار سرمایه به سوی کشورهای صنعتی باز می گردند.

دولت های دمکراتیکی که از نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ جایگزین نظامیان می شوند، فرمانبردارانه رهنمود های نئولیبرال را به اجرا در می آورند. امری که ویرانی عظیمی به همراه می آورد..... از شورش خلقی آوریل ۱۹۸۴ در جمهوری دومینیکن گرفته تا درگیریهای مردمی خونین آرژنتینازو (argentinazo) در دسامبر ۲۰۰۱ بر علیه دولت آقای فرناندو دو لا روا (Fernando de la rúa) و هم چنین تظاهرات وسیع کاراکازو (caracazo) در ۲۷ فوریه ۱۹۸۹ بر علیه رئیس جمهور ونزوئلا کارلوس آندرس پرز (Carlos andrés Pérez)، شورش ها در همه جا افزونی می گیرند. طرد توافق های واشنگتن و ابزارهایش در نهایت به گردش به چپی می انجامد که با انتخاب هوگو چاوز به ریاست جمهوری ونزوئلا در ۱۹۹۸ آغاز می شود.

پس از سرنگونی رئیس جمهور فرناندو دو لا روا (Fernando de la rúa) در دسامبر ۲۰۰۱ مقامات آرژانتینی زیر فشار جنبش مردم با صراحت در مقابل صندوق بین المللی پول و بانک جهانی موضع می گیرند و پرداخت بدهی های خارجی به وام دهندگان خصوصی و کلوپ پاریس را تا مارس ۲۰۰۵ به تعلیق در می آورند (۴). اگرچه دولت های پرونیست آقای رودریگز سا (Rodriguez Saa)، ادوارو دو هالد (Eduardo Duhalde) و نستور کیشنر (Nestor Kirchner) از گسست مستقیم با نهادهای برتون وودز می پرهیزند (طلب هایشان در نهایت پرداخت میشود) اما بانسان دادن اینکه می توان در حین تعلیق پرداخت وام ها رشد اقتصادی را حفظ نمود، این نهادها را تضعیف می کنند: ۷۶ درصد آنها کاهش معادل نصف مبلغ ادعائی را می پذیرند.

سرانجام، کنار گذاشتن صندوق بین المللی پول

از سال ۲۰۰۵ تغییری اساسی در وضعیت اقتصاد جهانی توازن را بصورتی مثبت به نفع اکثر کشورهای در حال رشد در مقابل وام دهندگان کشورهای صنعتی تغییر می دهد. قیمت جهانی مواد اولیه و بخشی از محصولات کشاورزی افزایش می یابد و ضریب ریسک پرداختی برای وام بصورتی تاریخی کاهش می یابد. ذخیره ارزی با اهمیتی، از پول های قوی به واسطه صادرات بوجود می آید: بین سالهای ۲۰۰۲ و ۲۰۰۷ ذخیره ارزی آمریکای لاتین و کارائیب از ۱۵۷ میلیارد به ۳۵۰ میلیارد دلار می رسد. چندین دولت (آرژانتین، برزیل، مکزیک، اروگوئه، ونزوئلا و همچنین تایلند، اندونزی و کره جنوبی) از این وضعیت استفاده کرده حساب هایشان را با صندوق بین المللی پول تصفیه می کنند.

بسیاری از جنبش های مدافع لغو قروض تحت عنوان اینکه این امر به این نهاد « رسمیت » می بخشد از اینکار انتقاد می کنند و معتقدند که این سرمایه ها می باید برای سیاست های اجتماعی هزینه شود. دولت ها در پاسخ خاطر نشان می سازند که

پرداخت بدهی ها به آنها اجازه می دهد که آزادی کامل خود را در مقابل نهادی بازبند که بدنبال تحمیل سیاست های غیر مردمی به آنها است.

اما بسیاری از این دولت ها تا به امروز با ذخیره ارزی خود چه کرده اند ؟ پس از استفاده از بخشی از آن برای پرداخت بدهی هایشان ، مابقی را به اوراق قرضه دولت امریکا تبدیل کرده و یا در بانک های امریکائی (و ندرتا در بانک های دیگر کشورهای صنعتی) پس انداز می کنند. بدین ترتیب آنها پول مردم کشورهای جنوب را به قدرت های کشور های شمال و بویژه کشورهایی که آنها را تحت سلطه خویش گرفته اند قرض می دهند.

در مواردی خرید اوراق قرضه ، امریکائی و یا غیر آن می تواند با گرفتن وام های جدید از بازار داخلی و یا بین المللی همراه باشد. در همه موارد سود حاصله از اوراق قرضه خارجی و یا پس انداز ثابت، همیشه از میزان بهره وام کمتر است. زیان این کار از آن جهت باز هم بیشتر است که ایالات متحده سود اوراق را با دلاری پرداخت می کند که در سال های اخیر بصورتی ثابت ارزش خود را از دست می دهد.

نگاه داشتن ذخیره ارزی بصورت پول سازوکاری فاسد بوجود می آورد: بانک های مرکزی محلی پول ملی را در اختیار دلان اقتصادی می گذارند تا صادر شود. برای جلوگیری از رشد تورم حاصل از افزایش نقدینگی در گردش، بانک مرکزی بالاجبار به بانک های خصوصی محلی قرض می دهد، امری که خود باعث افزایش هزینه برای خزانه دولتی می شود.(۵)

افزایش نسبی حجم ذخیره ارزی در دست دولت های منطقه که چنین استفاده هائی از آن می شد به نفع آقای چاوز تمام شد که از چند سال پیش پیشنهاد بوجود آوردن یک صندوق پول انسان دوستانه بین المللی را داده و از سال ۲۰۰۶ ایجاد بانک کشورهای جنوب را مطرح کرده بود. با اعلام بوجود آوردن چنین نهادی ، آرژانتین و ونزوئلا در فوریه ۲۰۰۷ پایه گذاری این نهاد را اعلام نمودند و بلافاصله بولیوی ، اکوادور و پاراگوئه به آنها ملحق شدند. برزیل پس از سه ماه تردید، اعلامیه کیتو مورخ سوم

ماه مه را در گردهم آئی وزرای اقتصاد آرژانتین ، بولیوی، برزیل، اکوادور، پاراگوئه و ونزوئلا امضا کرد. قبل از پایان ماه ژوئن آینده جلسه دیگری روسای جمهوری این کشور ها را گرد هم خواهد آورد تا بنیان گذاری بانک کشورهای جنوب رسماً اعلام شود.

هنوز در مورد بعضی از گزینه ها بحث در جریان است اما بنظر می رسد که بر روی تعدادی از نکات یک توافق عمومی وجود دارد. این سازمان مالی لاقلاً شش کشور آمریکای لاتین (درب برای دیگر کشورها باز است) را گرد آورده و وظیفه تامین مالی توسعه در منطقه را عهده دار است. اراده برای ایجاد یک صندوق مالی برای ثبات اقتصادی نیز به چشم می خورد (۶). امروز نیز یک صندوق ذخیره لاتین آمریکا (FLAR) که پنج کشور منطقه آند (بولیوی ، پرو، کلمبیا، اکوادور، ونزوئلا) و یک کشور آمریکای مرکزی (کوستاریکا) عضو آن هستند وجود دارد. می توان همین نهاد را تغییر کاربری داد و یا اگر این کار غیر ممکن باشد ، صندوق جدیدی بوجود آورد. وظیفه این نهاد مقابله با حملات مالی و دیگر شوک های خارجی است و برای این کار بخشی از ذخیره هریک از کشورهای عضو به کار گرفته می شود.

در واقع قصد، کنار گذاشتن صندوق بین المللی پول اما با هدفی باز هم بلند پروازانه تر است: بوجود آوردن حسابی مشترک که می تواند یک روز به پیدایش پول مشترک بیانجامد. یعنی بوجود آوردن اکو اروپائی پیش از ایجاد یورو. هم اکنون معاملات تجاری در امریکای لاتین بر اساس دلار انجام می گیرد. در حالیکه آرژانتین و برزیل اعلام کرده اند که قصد دارند معاملات بین دو کشور را که معادل ۱۵ میلیارد دلار می شود با پزو آرژانتین و رئال برزیل انجام دهند.

در جریان گردهم آئی کیوتو، هیئت نمایندگی اکوادور دیدگاهی انقلابی در باره بانک کشورهای جنوب و صندوق ذخیره ارزی مطرح کرد. این نهاد باید برعکس صندوق بین المللی پول و بانک توسعه برای کشورهای قاره امریکا (BID) بر اساسی دمکراتیک عمل کند. در شرائطی که بانک جهانی توجهی به توافق های بین المللی در مورد حقوق انسانی، اجتماعی و فرهنگی ندارد، این نهاد باید ابزاری در خدمت اجرای

آنها باشد. در حالیکه نهادهای موجود برای پروژه های بخش خصوصی الویت قائل هستند ، بانک کشورهای جنوب باید پروژه های دولتی را تامین مالی نماید.

از طرف دیگر اگر روسای دولت ها به توافق برسند، این بانک باید براساس « هر کشور دارای یک رای » اداره شود. در حال حاضر در بانک جهانی ، صندوق بین المللی پول و بانک توسعه برای کشورهای قاره امریکا (BID) حق رای به نسبت سرمایه گذاری اولیه، همچون یک شرکت خصوصی، تعیین می شود و ایالات متحده که به تنهایی ۱۵ درصد حق رای را در اختیار دارد عملا از حق و تو برخوردار است. اضافه بر این ، مدیران و کارمندان بانک کشورهای جنوب در مقابل قانون پاسخگو خواهند بود. در حالیکه این امر در مورد کارمندان بانک جهانی صدق نمی کند و آنها از مصونیت کاملی استفاده می کنند که فقط اگر بانک اراده کند زیر علامت سوال می رود. آرشیو های بانک کشورهای جنوب در دسترس همگان قرار خواهد گرفت در حالیکه عکس این امر در مورد بانک جهانی و صندوق بین المللی اعمال می شود. و بالاخره این موسسه مالی جدید از بازار سرمایه وام نخواهد گرفت و سرمایه اش از طرف کشورهای عضو بصورت سهم اولیه، قرض و همچنین با مالیات هائی از نوع توبین (۷) تامین خواهد شد.

هنوز برای قضاوت در مورد سرنوشت نهائی این پیشنهادات زود است . دولت های برزیل و آرژانتین علاقمند به بانکی هستند که بتواند شرکتهای بخش خصوصی و یا خصوصی- دولتی را در چارچوب بلوک اقتصادی و سیاسی ای تقویت کند که از روی مدل اتحادیه اروپا که تحت سلطه منطق سرمایه داری است بوجود آمده باشد. اما بحث هنوز باز و یک مسئله قابل توجه است: در امریکای لاتین دیگر بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نیستند که همه چیز را تعیین میکنند.

- Maurice Lemoine, “ Une victoire à consolider en Equateur ”, Le ۱ Monde diplomatique, janvier 2007.

- Pour une présentation détaillée du soutien de la Banque ۲ mondiale et du FMI aux dictatures, voir Eric Toussaint, Banque

**mondiale : le Coup d'Etat permanent. L'agenda caché du
Consensus de Washington, CADTM-Syllepse, Liège-Paris, 2006.**

**- Banque mondiale, Global Development Finance, Washington ۳
D.C., 2006.**

۴ - چهره پنهان وام دهندگانی متحد و قدرتمند، لوموند دیپلماتیک ژوئن ۲۰۰۶

۵ - رجوع شود به ۳

۶ - پیوستن ونزوئلا به این پیشنهاد هنوز قطعی نیست. در آغاز آقای چاوز مدافع آن بود که بانک هم نقش بانک توسعه را داشته باشد و هم نقش صندوق ذخیره ارزی ثبات را.

۷ - این مالیات از روی مبادلات ارزی بین این شش کشور برداشته می شود

بر گرفته از لوموند دیپلماتیک

www.ayenda.org